

را بنده برای تذکر عرض می کنم نظر باینکه دولت میخواهد زودتر قانون را به موقع اجرا بگذارد میخواهد در قانون اطمینان پیدا کرده باشد که اعتبار از طرف مجلس تصویب میشود و اتفاقاً معکوس آنچه که در خاطر بعضی از آقایان است نظر وزارت مالیه به تسریع امر است

رئیس - عقیده آقای مخبر چیست؟
مخبر - کمیسیون قبول نمیکند

رئیس - رأی گرفته میشود بیس نهاد آقای یاسائی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)
رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای شوشتری

(بترتیب ذیل قرائت شد)
بنده اصلاح ماده ۲۱ بیست و یک را

باین ترتیب پیشنهاد میکنم ماده ۲۱ - وزارت مالیه مکلف است از اول فروردین ۱۳۰۵ شروع بمیزی نموده واخذ مالیات از املاک ممیزی شده بر طبق این قانون نماید -

و نیز مکلف است تا مدت دو سال در تمام مملکت ممیزی را خاتمه دهد

شوشتری - گرچه آقایان از همان نظری که آقای یاسائی فرمودند چون تجزیه رادر نظر دارند شاید باین قسمت هم رای ندهند

بنده می بینم این توفیق بمجهول است باین یوم اجلت ؟ برای چه روز می آورند؟ آن روزی که تصویب اعتبار مخارج ممیزی میشود چه روزی است اعتبار چقدر است این توفیق بمجهول است

بعقیده بنده بعد از این زحمت ها که کشیده شده بایستی وزارت مالیه از اول فروردین ۱۳۰۵ این قانون را بموقع اجرا بگذارد و در تمام املاک هم پس از ممیزی بر طبق این قانون مالیات اخذ کند و تا دو سال هم مکلف است که این قانون را در تمام مملکت عملی کند و ممیزی را خاتمه بدهد

رئیس - عقیده کمیسیون چیست
مخبر - قبول میشود

رئیس - رای میگیریم بقابل توجه بودن پیشنهاد آقای شوشتری آقایانی که قابل توجه میدانند قیام فرمایند (چند نفری قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد تقاضای تجزیه شده است رای گرفته میشود بماده ۲۱ - اولاً بدون کلام اعتبار اجرا آقایانی که موافقت قیام فرمایند (غالب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ثانیاً رای گرفته میشود بماده ۲۱ با بودن جمله اعتبار اجرا آقایانی که موافقت قیام فرمایند (عده قلبی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد جمله اعتبار اجرا حذف شد ماده الحاقیه (بمضمون ذیل قرائت شد) مقصود از عایدات ماده اول ثلث عایدات بدون آفت ۳ ساله اخیر ملک است

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)
کازرونی - بنده عقیده ام اینست که این ماده مستلزم يك افراط و يك تفریطی است که در نتیجه اولاً مالیات یکنواخت نخواهد شد و ثانیاً از یکطرف ممکن است يك ضرر هائی متوجه مردم بشود و از طرف دیگر نسبت بمعضی از املاک باز يك ضرر هائی متوجه بعضی دیگر شود چرا؟

میگویند ۳ سال اخیر - ۳ سال اخیر بعضی املاک ممکن است زراعتش بد شده باشد و بعضی املاک ممکن است خوب شده باشد

۳ سال اخیر را ما بدون اینکه تکلیف کنم میخواهیم مدرک قرار دهیم بنده می بینم این عادلانه نیست و قهراً افراط و تفریط است و این قانون يك قانون غیر عادلانه خواهد شد که از یکطرف برای مردم و از یکطرف برای دولت ضرر دارد و قابل جبران هم نیست

بنده خاطر دارم قانون وقتیکه اول بمجلس آمده بود اینطور تصویب کرده بودند که سه سال عالی و دانی و متوسط در ظرف ده سال بعد از تصویب این قانون

عدل - بعد از تصویب قانون؟ کازرونی - بلی - حالاً در ظرف ده سال را زیاد می دانید پنج سال شش سال بگویند جنابعالی که زحمت کشیده اید و در آنجا این قانون را نوشته اید اگر این نکات را منظور می داشتید این اندازه اشکال پیدا نمیشد که خود شما هم با مخالفین موافقت کنید چرا؟

برای اینکه این قانون طبیعی بمجلس نیامده حالا ده سال زیاد است پنج سال یا شش سال باشد اینمندی را هم که بنده عرض کردم پنج سال یا شش سال یا بیشتر یا کمتر برای اینست که سنواتی هست که چون را آفت میزد آن سنوات را مستثنی کنند

آنوقت حتماً باین این سنوات یکسال های مادی دارد از آن سالها یکسال عالی و یکسال دانی و یکسال متوسط را روی هم بگذارید و مالیات يك ثلثش را بپردازید

آنوقت ده سال را هم که از اینطرف یا از آنطرف نوشته ایم آفت زدگی را هم که در قانون ذکر کرده ایم که تخفیف داده شود آنوقت این قانون عادلانه می شود و الا بنظر بنده عادلانه نیست

بنده واقفاناً تمجب میکنم که کمیسیون محترم این نکات را که خیلی خیلی روشن و پبش پا افتاده است چه طور نمیدانند؟

وقت بفرمائید بعضی املاک در این ۳ سال اخیر عموماً زراعتشان بد شده است نه اینکه آفت زده باشد خیر

آفت زده است ولی بد شد است و يك قسمتهائی در این ۳ سال اخیر خوب بوده آنوقت ظلم بکسی شده که زراعتش خوب شده و باید جریمه بدهد که اتفاقاً ۷ سال پیش بد نبوده و ۳ سال اخیر خوب بوده و يك تخفیفات خیلی زیادی باید بکسی داده شود که ۳ سال اخیرش بد بوده و بایش خوب شده

در هر صورت این قانون بعقیده من طبیعی نیست

رئیس - پیشنهاد ختم جلسه شده است و بملاوه عده هم برای رأی گرفتن کافی نیست بعضی پیشنهاد هائی هم شده است راجع بدستور و اضافه يك جلسه بر عده جلسات ولی چون عده کافی نیست میماند برای جلسه بعد

جلسه آتیه یکشنبه ۳ ساعت و نیم قبل از ظهر بدستور هم بقیه قانون ممیزی (مجلس نیم ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی - سید محمد تدین

جلسه ۲۳۵

صورت مشروح مجلس پنجمشنبه هفدهم دیماه ۱۳۰۴ مطابق ۲۲ جمادی الثانی ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر بریاست آقای تدین تشکیل گردید

صورت مجلس پنجمشنبه هفدهم دیماه را آقای کی استوان قرائت نمودند

رئیس - آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای میرزائی (اجازه)

میرزائی - قبل از دستور عرض دارم

رئیس - آقای ملک (اجازه)

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور

رئیس - آقای شیروانی (اجازه)

شیروانی - قبل از دستور

رئیس - آقای کازرونی (اجازه)

کازرونی - بعد از صورت مجلس يك صحبتی دارم

رئیس - آقای دستغیب (اجازه)

دست غیب - قبل از دستور رئیس - آقای یاسائی (اجازه) یاسائی - قبل از دستور رئیس - آقای افسر (اجازه) افسر - اگر نوبت رسید قبل از دستور

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازه)

آقا سید یعقوب - در آن پیشنهادی که بنده عرض کردم راجع بتبصره چون آقای مخبر اظهار کردند که مقصود شما تأمین شده است که در واقع تعدیل مالیات اصناف باشد از این جهت بنده مسترد داشتم و اینجا مطلق نوشته شده است میخواستم این اضهارای که آقای مخبر کردند یعنی گفتند تأمین شده است درش باشد

رئیس - اصلاح میشود نسبت بصورت مجلس اعتراضی نیست؟

(اظهاری نشد)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد آقای تقی زاده (اجازه)

تقی زاده - چون امورات اقتصادی در مملکت اهمیت مخصوصی دارد و مخصوصاً در دوره اخیر هم توجه نمایندگان ملت و هم توجه عامه ملت بامورات اقتصادی (خصوصاً امورات عظمیه اقتصادی) خیلی زیاد است لهذا تصور میکنم ذی حق باشم که گمان کنم هر اظهاریکه از طرف نمایندگان ملت در این باب بشود

مورد توجه مخصوص مردم در خارج و توجه نمایندگان در مجلس میشود

بنده نماینده ملت هستم و در دو جلسه قبل اظهارات بمناسبت يك لایحه قانونی کردم که تعلق با اقتصاد مملکت داشت و تصور می کنم که این اظهار (همانطور که اول عرض کردم) محل توجه عامه می تواند واقع بشود و حالا آنرا صحیح تصور میکنند باسقیم ولی بهر حال توجهی بآن میشود

این اظهار بنده عمده بقصد جلوگیری از تأثیر بعضی صحبت هائی بود که در این جا شد که اگر چه نیت گوینده ها یعنی ناطقین افراط نبوده است و شاید چنانکه تصور می کنم بامن موافق بودند و هیچ مخالفتی هم در میان نبود

ولی طرز بیانات طوری بود که گمان کردم شاید آنها را تعبیر بافراط کنند و باعث بعضی تأثیرات بشود که خود ناطقین هم می خواهند چون غالباً این ترتیبات موجب ضلالت عامه و باعث تولید مفاسد میشود

من اینطور تصور کردم و يك اظهار مختصری راجع بمطلب کردم

ولی خیلی نأسف دارم که بیانات من چه در مجلس وجه در خارج کاملاً مفهوم نشده یعنی نسبت به بعضی آقایان سوء تفاهم شده و بیشتر در بعضی جرائد آن را بطور غلط و مجرف چاپ کرده اند وقتی در بعضی جرائد درست نقیض آنچه را که بنده اظهار کردم نوشته اند .

اگر چه راه صحیح ترش این بود که صورت نطق را بنویسم و بیکی از روزنامه ها بفرستم و آن کار را هم کردم و روزنامه فرستادم و چاپ نشد لهذا چاره منحصر بفرد برای توضیح مطلب همین کرسی مجلس است . بنده عقیده باین دارم که باید در میان مایک روح نصابی باشد که بواسطه آن بتوانیم در هر طرف مطالب که در آن تبیین است مذاکره و شور کنیم و دلائل مخالف را بگوئیم و هر کس هم در باره مخالف عقیده خودش بحسن نیت و صمیمیت قائل باشد باین معنی که بنده بگویم فلان اینطور میگوید بدون اینکه اظهارات او را بیک چیز بیکه غیر از راه مستقیم و صحیح او است نسبت بدهم .

صعبت راجع بسرمایه خارجی بود و آمدنش بایران - بنده تصور میکنم که سه عقیده ممکن است در این موضوع باشد .

ممکن است يك کسی بگوید که هیچ سرمایه خارجی نباید بایران بیاید . اگر يك همچو آدمی پیدا شود و این را بگوید با اینکه عقیده بنده مخالف او است هیچ نوع خصومتی با او نخواهم داشت و البته اگر دلائلی دارم در رد او بگویم و یکدسته دیگری ممکن است باشد (یعنی فرض است چون شقوق عقلی سه تا است) که بگویند سرمایه های خارجی بهر وضعی که ممکن است باید دروازه را باز کرد .

و باین مملکت بلا شرط بیاید و هیچ ایرادی هم نباید گرفت برای اینکه ترقی مملکت از این بابت است و بنده نسبت باین دسته هم ضدیتی ندارم .

ولی شوق سومی که بنده طرفدار آن هستم این است که هر گاه سرمایه خارج باین مملکت بیاید نه تنها عیبی ندارد بلکه تشویق هم باید کرد و سرمایه خارجی را جلب کرد .

ولی یک چیزی در این باب لازم است و آن اینست که آن دروازه را که برای آنها باز میکنیم يك دروازه بانی هم بملوی آن دروازه داشته باشیم که مختصر دقتی هم بکنند و این نعمت بزرگی است که بعد از سالهای سال و قرن ها خواهند باین مملکت داده است که آن مشروطیت است .

قانون اساسی این ضمانت را میکند که آنچه بمملکت میآید از زیر يك دروازه

که اسمش مجلس است میگردد و از زیر نظر مجلسی ها رد میشود و دقت هائیکه لازم است در او بشود میشود آنوقت اگر دیسند که هیچ عیبی ندارد همرا تصدیق میکنند و اگر يك جزئیات و چیز هائی در او هست دقتش را میکنند و تصویب میکنند و میرود .

بنده تصور میکنم این عین عقیده آقایان دیگری است که در این باب صحبت کردند . آنها هم البته عقیده نداشته اند که بدون هیچ دقت و تحقیقی مادر وازه را بگلی باز کنیم .

صعبت بمیان آمدن از شرکت های خارجه با کلیه امتیازات بخارجه البته کسی منکر بشراکت خارجه بلکه دادن امتیاز هم نیست که اگر کار های مفید و مهمی هست امتیاز بخارجه داده شود .

ولی بدون مضرات سیاسی و اقتصادی که يك محسّنات عظیمه هم برای خود صاحب امتیاز داشته باشد .

البته هیچکس برضد این نیست ولی چیزی که هست اینست که نظارت ملت در این باب شرط است و مجلسی که از طرف ملت انتخاب میشود باید همیشه در این باب دقت خودش را بکند .

پس عقیده بنده اینست که اگر ما امتیازی بخارجه می دهیم باید واضح و صریح باشد و البته نمیخواهیم در زیر پرده داخله بخارجه امتیاز بدهیم برای اینکه بدان امتیاز بخارجی هم ایرادی نداریم ولی بعد از دقت هائی که عرض کردم باید داده شود .

پس اگر اینطور است میشود بخارجه هم داد و بداخله هم داد آنوقت در این باب لازم است روح قانون را مناط قرار داد نه لفظش را . یعنی اگر بیکراهی پیدا شود که از لفظ قانون بشود قرار کرد

ولی روح قانون شامل باشد آن کار را نمیشود کرد . مثلاً فرض کنیم این را که قانون اساسی شرط کرده است نمایندگان ملت در امتیازات و این نوع چیز ها دقت بکنند برای چیست ؟ برای اینست که مفاسدی از آن دروازه رد بشود .

پس اگر ما بیک راه دیگری يك کاری بکنیم که سرمایه خارجی داخل مملکت بشود و منابع اقتصادی مملکت از زیر دست خارجه بگذرد ولی بیکنجوری که متن قانونی اقتضا نکند (که باید بمجلس بیاید و از آمدن بمجلس و از دقت نمایندگان مجلس رد شود) آنوقت همان مفاسدی را که قانون اساسی از آن می ترسید واقع میشود و مطابق قانون اساسی این از آن مواقعی نبود که متلاً يك اسمی رویش گذاشت .

بنده اینجا گفتم باید راه بدهیم به سرمایه خارجی که باین مملکت بیاید ولی نمیخواهم این سرمایه استیلا داشته باشد این بود که بنده بمناسبت نطق هائیکه اینجا شد و بمناسبت ماده دوازدهم قانون راجع به امتیاز اصل السوس گفتم که اگر شما میگوئید آنکسی که این قانون را می نویسد میگوید چهل و نه درصد بخارجه میشود داد و بنجام يك درصدش را بداخله .

اگر مقصود اینست که داخله همیشه سهمش بیشتر از خارجه باشد و خارجه اکثریت پیدا نکند این کافی نیست برای اینکه سه چندین جهت ممکن نبود این تأثیری را که ما می خواهیم از این قانون بگیریم

پس باید گفت آن قسمتی از سرمایه را می شود بخارجه داد که نماینده چهل و نه درصد از آراء باشد برای اینکه ممکنست بیست درصد از سهام را بخارجه داد و هشتاد درصد آراء را داشته باشد زیرا ممکنست از صد سهم بنجام تا شصت آنرا (الف) اسمش گذاشت و چهل آنرا (ب) و در اساسنامه شرکت نوشت که سهام الف هر چهارتا يك رأی و سهام ب سه تا يك رأی دارد

ممکنست در اساسنامه نوشت (قانون که منع نمی کند) که رئیس سه رأی دارد . ممکنست اعلان شود چهل و نه درصد سهام بخارجه داده میشود و بنجام و يك درصد بداخله و خارجه چهل و سه سهم را بخرد و داخله یا نوزده سهم را بخرد (ما که نمی توانیم کسیرا مجبور کنیم)

پس باید بگوئیم آن قسمت از سرمایه پرداخت شده که نماینده چهل و نه درصد از آراء در مجمع عمومی شرکت باشد متعلق بخارجه است .

با وجود این عقیده بنده است که چهل و نه درصد را هم نباید گفت برای اینکه این يك فرمولی میشود که از حالا تا ده سال دیگر هر چیزی که پیش می آید میگویند .

چهل و نه و دیگر چهل و هشت هم نمی شود .

بنده در آن اظهاراتیکه عرض کردم و قصدی نسبت به هیچ کس و به هیچ موضوع معینی نداشتم ولی ما امروز نباید يك کاری را بکنیم مثل چیز هائیکه در آن زمان ها که ملت حق شراکت در امور نداشته اند و دقت نداشته اند واقع شده است و ما آنرا قرار دهیم و مقام فعلیت در بیاوریم مثل اینکه امروز واقع شده است بادم میآید در زمان مجلس اول یکی ازو کلايك نطقی کرد و گفت من ناصرالدین شاه را خواب دیدم و همانوقت از جیبش يك کاغذ آبی را در آورد و گفت این را دیشب ناصرالدین شاه بمن داد و نداد منشی بخواند یکی از تماشای ها خواند آنجا نوشته بود در ۱۳۰۶ ناصرالدین شاه حکم کرد که امنیت مالی و

جانی برقرار باشد پس اگر يك کسی هم يك کاغذی در آورد و بگوید این را ناصرالدین شاه داده است یا مظفرالدین شاه داده است ما نمیخواهیم . ناصرالدین شاه بدهد یا مظفرالدین شاه بدهد .

ما میخواهیم مجلس بدهد بنده این اخطار را لازم میدانستم بملت ایران بکنم و غیر از اینهم هیچ عرضی ندارم و میخواهم در بیانات من سوء تفاهمی نشود

چنانکه عرض کردم تصور نمیکنم ابداً میان بیانات من و بیانات آقایانی که در زمینه تشویق سرمایه خارجی اظهاراتی فرموده اند میبایستی باشد

اگر یکی از آنها این رأی را داشته باشد که يك مملکت مستقلاً دروازه اش را بگلی باز کند بلا شرط و هیچ دقتی نشود آنوقت است که بنده شاید مخالفت داشته باشم .

جمعی از نمایندگان - دستور . شیروانی - بنده مخالفم که داخل دستور بشویم .

رئیس - بفرمائید

شیروانی - يك مسائلی در مجلس شورای ملی گاهی اظهار میشود در تحت يك لافقه هائی که بالاخره بيك مقاماتی و بيك اشخاصی ممکن است بر بخورد .

در چند روز پیش اینجا آقای دکتر مصدق يك اظهاراتی فرمودند بدهم باز يك اظهاراتی شده است .

بنده در این دوسه جلسه استعجازه کرده بودم و یکی دونه حرف زدند و تا خبر شد و نوبه بنده نرسید و این حرفها بلا جواب ماندنش در مجلس شورای ملی که کلمات و حروف همه در اینجا رسمیت دارد بنده تصور میکنم سزاوار نباشد و مخصوصاً بنده از آقای حاج ملک هم تقاضا کرده بودم که اگر ممکن است اجازه شانرا به بنده مرحمت کنند . . .

حاج حسن آقا ملک - تقدیم کردم شیروانی - که بنده در آن زمینه يك جوابهائی عرض کنم . عجله هم نیست بنده هم يك چند دقیقه شاید بیشتر صحبت نکنم اگر آقایان اجازه بفرمایند تا این درجه آزادی نطق سلب نشود . دستور هم دو سه ماده قانون مجبزیست آنها خواهد گذشت گمان میکنم مخالفی نباشد

رئیس - آقای میرزائی هم قبلاً اجازه خواسته اند شما هم حق خود را بایشان میدهید ؟

میرزائی - بنده خودم عرض دارم رئیس - (خطاب بشیروانی) دونه فرقیل از جناب عالی هستند .

زعیم - رأی بگیرید .

رئیس - رأی بگیریم برای ورود به دستور آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند .

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد. خبر کمیسیون
 هریض و مرخصی است راجع به مرخصی
 بیست و شش روزه آقای فرزند کمیسیون هم
 تصویب کرده است.
 (شرح ذیل قرائت شد)
 آقای فرزند نماینده محترم در موقع
 مسافرت خود بهمدان مبتلا بکسالت شده و
 در ۳۰ مهر مکتباً تقاضای يك ماه اجازه نموده
 بودند.
 کمیسیون بعد از تحقیق هذر ایشان را
 موجه دانسته و تقاضای مرخصی ایشان را
 برای ۲۶ روز تصویب مینماید که ابتدای آن
 از تاریخ ۳۰ مهر است.
 شیروانی - این مرخصی سابقاً رد
 نشده؟
 رئیس - خبر سابقاً تقاضای یکماه شده
 رد شده تصدیق کرده اند کمیسیون بیست
 و شش روزه تصویب کرده است. رای گرفته
 میشود بیست و شش روز مرخصی آقای فرزند
 بطوری که کمیسیون تصویب کرده است
 آقایانی که موافق قیام فرمایند
 (اغلب قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد.
 (پیشنهادی از طرف آقای آقا شیخ
 فرج الله بمضمون ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد میکنم در اول جلسه به
 جای دونه رهضو کمیسیون عدلیه (مرحوم
 شریعتمدار دامغانی و آقای داور) دونه
 دیگر انتخاب شود. فرج الله
 رئیس - آقای ملافرج الله
 (اجازه)
 آقا شیخ فرج الله - البته خاطر آقایان
 مسبق است که در وقتی که پیشنهاد انتخاب
 اعضاء کمیسیون عدلیه شد بنده عقیده ام این
 بود که هیچجه نفر باشد ایراد کردند که
 مخالف است با نظامنامه از این جهت عرض
 میکنم که امروز کمیسیون عدلیه مشغول يك
 کاری است که خیلی اهمیت دارد از جمله
 همچو قانونی نوشته است (اشاره بقانونیکه
 درست داشتند)
 بنده هم يك اعتراضاتی نوشته ام از
 این جهت پیشنهاد می کنم که دونه فرقه این
 کمیسیون انتخاب شود تا بنده اعتراضات
 خودم را در آنجا عرض کنم و جواب اعتراضات
 من داده شود
 رئیس - بنده تصور میکنم بهتر این
 باشد که موکول شود بجلسه بعد و ضمناً
 آقایان تبادل نظری بکنند
 (گفتند صحیح است)
 رئیس - پیشنهاد آقای شیروانی
 (بشرح ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم يك ماده که از
 قانون رب النسوس مانده است در اول دستور
 گذارده شود
 رئیس - آقای شیروانی
 (اجازه)
 شیروانی - يك ماده از این قانون مانده

است و خبرش هم از کمیسیون آمده است و
 يك رأی هم گمان می کنم بیشتر نداشته
 باشد و بعد هم قانون میبزی مطرح
 می شود
 رئیس - آقای روحی
 (اجازه)
 روحی - بنده بفرزاد قانون میبزی یا
 هر قانونی ولو مفید بحال مملکت هم باشد
 اگر بخواهند فعلاً جزء دستور شود
 مخالفم.
 جمعی از نمایندگان - صحیح است
 رئیس - (خطاب به آقای شیروانی)
 بعد از تمام شدن قانون میبزی ممکن است
 تقاضای آنرا تجدید بفرمائید
 شیروانی - بلی باشد بعد از قانون
 میبزی؟
 کفیل وزارت معارف - معلمین فرانسوی
 مدرسه حقوق کنترانشان مقارن القضاء دوره
 پنجم منقضی می شود برای اینکه درسهای
 مدرسه معطل نماند دو فرقه کنترات آنها
 تقدیم شده است راجع بفراشون و هس يك
 فقره دیگر هم راجع به سیودو لایوژ که معلم
 آن مدرسه است تقدیم می کنم که لطف
 بفرمائید و زودتر تهیه و بپوشد
 رئیس - بکمیسیون بودجه جدید ارسال
 خواهد شد
 آقا سید یعقوب - بخارجه هم باید
 برود.
 سلطانی - بکمیسیون معارف
 رئیس - بسیاری کمیته یونهاا کر لازم باشد
 ارجاع می شود
 (ماده الحاقیه اول قانون میبزی بشرح
 ذیل قرائت شد)
 ماده الحاقیه اول - مقصود از عایدات
 ماده اول ثلث عایدات بدون آفت سه سال
 اخیر ملک است
 رئیس - در این ماده سابقاً آقای کازرونی
 مخالف بودند مخالفت خودشان را هم اظهار
 کردند ضمناً تقاضای ختم جلسه شده
 مذاکرات هم کافی شد
 آقای طهرانی
 (اجازه)
 آقا شیخ مجدعلی طهرانی - اینجا
 نوشته مقصود از عایدات ماده اول ثلث
 عایدات بدون آفت سه سال اخیر ملک است
 اصلاً معلوم نیست که بدون آفت یعنی چه
 معنی این است که کشت مطابق
 زمین باشد؟ آب هم مطابق آن کشت؟
 رعیت هم مطابق آب و کشت باشد؟
 اگر منظور است که يكسال اخیر
 با يك سال اول و يكسال وسط هیچ فرق
 نمی کند.
 متلاً عایدات زمین ده خروار است
 یعنی يك خروار باید بکارند و ده خروار
 بردارند دوتا کاو هم باید کار کند.
 چهار حمله هم باید کار کند. آبش هم يكسال
 سنگ است.

اگر این است میخواید سال اخیر
 باشد یا سال اول یا سال متوسط فرق
 نمی کند.
 بدون آفت یعنی چه؟ یعنی آب و زمین
 خوب نکند؟ رعیت هم کسر نشود؟ گارمیری
 هم اتفاق نمیدهد؟
 اگر این است مراد که این سه سال
 معنی ندارد پس همان يكسال کافی است
 وانگهی سه سال اخیر از چند سال؟ سه سال
 اخیر از سنوات سابقه الی زمان آخر؟
 اگر سه سال اخیر قبل از میبزیست که
 ممکن است سه سال اخیر این ده اصلانام
 آفت داشته باشد و يك سال دیگر دو سال
 آفت داشته باشد و يكسال آفت نداشته
 داشته باشد. و دو سال آفت نداشته
 باشد.
 پس بنا بر این عقیده بنده این است
 باید خمس پنج سال اخیر را میزان قرارداد
 اعم از اینکه آفت داشته باشد یا نداشته
 باشد.
 در یکی از مواد قبل که مادر جلسه پیش
 تصویب کرده پیش بینی سال آفت را کردیم
 که اگر در املاک عایدات نصف تنزل کند
 و در حیوانات ثلث تنزل بکنند تجدید میبزی
 میشود.
 در این ماده مامی خواهیم مقیاس
 میبزی را بدست دولت داده باشیم. دولت
 عایدات متوسط ملک را میخواید تشخیص
 بدهد تا صدسه مالیات مطالبه کند و اگر مادر
 اینجا پیش بینی نکنیم ممکن است دولت آن
 سالهایی که محصول خوب شده مقیاس
 قرارداد بدهد و صدی سه را نسبت آن سالیکه
 جنس بسیار خوب شده بوده است و مثلاً تخمی
 هفتاد تخم با بقول آقای شوشتی نهمی دوهزار
 تخم شده بوده است حساب کند.
 ما خواستیم جلوی این تندروی
 زیاد تر است مجموعاً خمس پنج سال اخیر
 را اگر میزان آفت قرار بدهند نه صدسه
 رعیت می خورد نه صدسه بدولت والا
 ما این جا ننشسته ایم که مشت بزیم
 به کله رعیت و بگوئیم چشمت کور شود
 باید بدهی!!
 ما این کار را نباید بکنیم اگر
 دولت هایدیش کم است صد پنج بگیرد
 صد شش بگیرد. باید اینجا بگوئیم این
 عوایدیکه شامه این گردید کم است و صدسه
 نیم برای من کم است.
 باین دلیل و باین دلیل من باید صد
 صد پنج بگیرم آند وقت و کلای ملت هم
 رأی میدهند. برای اینکه دولت نباید بی
 پول باشد.
 شما وضع مالیات میکنید به کیفیت
 که حتماً رعیت آفت را از هفده برآید
 و آفت سه سال اخیر را مأخذ قرار
 میدهد.
 این تقریباً مشت است که از طرف وکیل
 خود ملت بکله خود ملت میخورد این شکل

سه سال اخیر سه سال آفتی است سه سال
 دیگر را بگیرند که شش سال قبل از میبزی
 باشد یا اگر يك سالش سال آفتی باشد
 سه سال از چهار سال قبل از میبزی را مأخذ
 قرار بدهند و این پیش نهادم از طرف آقای
 نقی زاده داده شده بود و در کمیسیون هم قابل
 توجه شد و بتصویب اعضا کمیسیون طریقه
 عادلانه ای است.
 جمعی از نمایندگان - بنده مذاکرات کافی است
 رئیس - پیشنهاد آقای سهراب زاده
 (بمضمون ذیل قرائت شد)
 بنده پیشنهاد می کنم کلمه بدون آفت
 از ماده الحاقیه حذف شود
 رئیس - آقای سهراب زاده
 (اجازه)
 سهراب زاده - طوری که در این
 ماده نوشته شده است برعکس آن چیزی
 است که آقای مخبر می فرمایند زیرا
 اگر بخواهند در وسط عایدات را ببینند
 نباید این کلمه را داشته باشد.
 کلمه بدون آفت همانطور که آقای تهرانی
 فرمودند معنی این سه سال خوب است زیرا
 در هر ملک اگر تخمی پنج تخم یا ده تخم
 هر طوری که عمل کند و آفت نداشته باشد
 این تازه سال خوب است وقتی که ما اینجا
 اسم میبزی سه سال بدون آفت یعنی سه
 سال اعلی در این صورت بنده تصور
 نمیکنم مالیاتی که از این کلمه بملک تعلق
 می گیرد رعیت بتواند بدهد و اگر بخواهیم
 سه سال قبل از میبزی قید کنیم باید این
 کلمه را نداشته باشد و بدو خوب
 و وسط را روی هم بگردیم کلمه چقدر است و از
 آن قرار مالیات بگیرند. بنا بر این
 بنده پیشنهاد کردم و بدون آفت حذف
 شود.
 رئیس - آقای رضوی
 (اجازه)
 رضوی - اگر بنا باشد جمله (بدون
 آفت) نباشد ابتدا میبزی صورت خارجی
 پیدا نخواهد کرد و آن ماده هفدهم لغو
 خواهد شد
 چون ماده ۱۷ قرار برای آفت
 گذاشته ولی بنده هم با این ماده مخالفم
 چون اغلب اهالی مملکت خورده مالکند و
 عایدات هر سه سال را نمیتوانند معین کنند
 و این ماده باید بطوری اصلاح شود ما نه
 آنطوریکه ایشان پیش نهاد کردند و این
 ماده را باید طوری اصلاح کنند که معلوم
 شود کدام سه سال است سه سال پیش
 پنج سال پیش ده سال پیش. همینطور سه
 سال معین کردن خیلی کار مشکلی است.
 بنا بر این جواب ایشان را آن ماده ۱۷ میدهد
 ولی این ماده راهم باید آقای مخبر يك
 طوری درستش کنند والا پیشنهادی
 که ایشان دادند بعقیده بنده عملی
 نیست.
 رئیس - عقیده کمیسیون چیست

مخبر - کمیسیون نمیتواند قبول بکند
 برای اینکه تکلیف آفت را در ماده ۱۷
 معلوم کرده است و معلوم است سال سن
 خوردگی را دولت نمیتواند مأخذ قرار
 بدهد.
 رئیس - رأی میگیریم بقبول توجه
 بودن پیشنهاد آقای سهراب زاده آقایانی
 که موافق قیام فرمایند.
 (عده قبلی قیام نمودند)
 رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد
 آقای نظامی
 (بمنظور خوانده شدن)
 بنده پیشنهاد میکنم در ماده الحاقیه
 اول عرض مقصود نوشته شود مدرک عایدات
 ماده اول الی آخر
 رئیس - آقای نظامی
 (اجازه)
 میرزا بدالله خان نظامی - يك اصلاح
 عبارتی است چون اینجا نوشته مقصود
 از عایدات. بنده نوشته ام مدرک
 عایدات.
 رئیس - آقای مخبر
 مخبر - قبول نیست چون شکل بهتر مفهوم
 معنی است
 رئیس - رأی بگیریم یا مسترد می
 کنید؟
 نظامی - مسترد میکنم
 رئیس - پیشنهاد آقای وکیل
 (بشرح آتی قرائت شد)
 پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه اول بترتیب
 ذیل نوشته شود
 ماده الحاقیه اول - مقصود از عایدات
 ماده اول ثلث عایدات متوسط بدون آفت
 سه سال ملک است در طرف شش سال اخیر قبل
 از میبزی
 رئیس - آقای وکیل
 (اجازه)
 وکیل - در اول که این قانون به مجلس
 آمد این ماده کلمه متوسط را داشت و
 بعقیده بنده باید در اینجا نوشته شود و در
 سایر لوائیح هم که دولت سابق می آورد
 این کلمه بود
 از این گذشته آقای تهرانی بیاناتی
 فرمودند که کاملاً حق باب ایشان بود
 در این جا می نویسد در ظرف سه سال
 اخیر ملک این سه سال قطعاً مطلق میشود
 بی ارسال و بیرارسال و يكسال قبل از آن
 ولی از کجا معلوم است که این سه سال تمامش
 آفت زده یا خوب بوده؟
 ممکن است که این سه سال اخیر قبل
 از میبزی که عبارت از پارسال و بیرارسال
 و يكسال پیش از آن باشد حاصلش بد
 باشد
 در آن موقع بضرر دولت تمام می
 شود یا ممکن است همه اش خوب باشد.
 آنوقت بضرر مؤدی مالیات تمام میشود و
 این عبارت خیلی صریح است اگر چه آقای

مخبر آنروز چیز دیگر بنده فرمودند و
 میگفتند که مقصود سه سال اخیر نیست ممکن
 است پنج سال را بگیرند و ببینند کدام
 سه سال بدون آفت بوده یا نبوده
 ولی چنانکه الان آقای مخبر فرمودند
 فلان مالک صورت عایدات در سال ملکش
 را ندارد
 این را بنده تصدیق دارم بلکه اغلب
 مالکین ممکن است صورت سه سال را هم
 نداشته باشند
 اما این مسئله وسیله بدست ممیزین
 میدهد که بطور قطع همان سه سال اخیر
 را میزان قرار بدهند و این کاملاً مخالف
 عدل و انصاف است
 لهذا بنده پیشنهاد کردم که در ظرف
 شش سال اخیر میبزی که سه سال عالی ودانی
 و متوسط آنرا بگیرند و مدرک قرار بدهند و
 کلمه متوسط را هم زیاد بکنند
 رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید؟
 مخبر - ما در این میبزی میل داریم
 اسباب تسهیل کار را فراهم بکنیم که ما مورثین
 دولت زیاد اسباب صدمه مردم نشوند
 ما وقتی که میدان را اینطور وسیع
 کردیم که سه سال متوسط ارزشش سال را
 دولت انتخاب کند آنوقت اسباب اختلاف
 و کشمکش میشود و آفتی هم که مذاکره
 فرمودند این يك چیزی است معین یعنی
 آفت وقتی است که مثلاً ملخ خوردگی
 میشود
 ملخ خوردگی چیزی نیست که بشود
 اورا مستورا داشت
 یا مثلاً سن خوردگی و غیره سه سال
 هم که مأخذ قرار داده شده برای اینکه
 تخمی یا زنده تخم میشود يكسال بیست تخم
 و يكسال هم ده تخم یعنی متوسط و عالی و
 دانی و بهر صورت زراعت هر مزوره مالکین
 و مجاورینش واضح و روشن است و این سه
 سال اخیراً که ما مدرک قراردادیم برای
 اینکه ممیزین ایرادگیری و زحمت زیاد
 برای مالکین و رعایا درست نکنند
 و تصور می کنم که این عادلانه تر
 باشد
 رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن
 پیشنهاد آقای وکیل الملك آقایان موافقین
 قیام فرمایند
 (عده کمی برخاستند)
 رئیس - قابل توجه نشد. پیشنهاد آقای
 آقا سید یعقوب
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 پیشنهاد میکنم که در ماده الحاقیه
 بعوض سه سال پنج سال نوشته شود
 رئیس - آقای آقا سید یعقوب
 (اجازه)
 آقا سید یعقوب - آقای مخبر هم اینطور
 آقای حاج میرزا عبدالوهاب بك اظهاری
 فرمودند که راجع به سه سال که خسارت وارد
 میشود و در ماده هفده ملاحظه شده است

که اگر خسارت نصف رسید رعایا مالکین
 حق دارند تقاضای تجدید میبزی کنند
 مملکت ایران ما کاملاً مستعصریم
 که بواسطه عدم اطلاع زارعین غالباً می
 بینیم دهات ده سال و یازده سال
 همه اش در خسارت است و این خسارات هم
 کسرت اتفاق می افتد که به نصف مایندی
 برسد و غالباً يك ثلث خسارت وارد میشود
 و مالک باید در تمام این سنوات مالیات يك
 ثلث خسارت را بدهد.
 اینست که دولت باید ملاحظه این را
 بکند زیرا مالک تا عایداتش نصف نرسیده
 حق تقاضای تجدید میبزی را ندارد و البته
 این خسارات بواسطه اینست که اسباب زراعت
 و فلاحتشان کاملاً نیست پس رعایا و مالکین
 حق تقاضای تجدید میبزی را برایشان پیدا
 نمیشود و ماده هفده هم این موضوع را
 تأمین نمی کند و اگر ما اینکار را بکنیم
 همیشه مالک بدبخت در خسارت است که هیچ
 وقت هم حق تقاضای تجدید میبزی
 ندارد
 اما اگر همانطوریکه آقای طهرانی
 فرمودند پنج سال اخیر قبل از میبزی
 باشد بهتر است و این را هم عرض میکنم
 بمقام راست که جزو آن پیشنهادم بشود که
 بیش از سه میبزی پنج سال و خمس آنرا
 معین کنند.
 بدون آفت هم اگر حساب کند آفت
 اگر هم ظلم باشد ظلم ببالسویه است و
 باز تا يك اندازه احراز واقع را بهتر کرده
 تا اینکه سه سال بطور مطلق باشد؟
 رئیس - آقای مخبر چه میفرمائید؟
 مخبر - این نظری که میفرمائید برخلاف
 نظر کمیسیون است.
 ما عقیده داشتیم هر قدر ممکن است
 مأمور دولت در حساب مالکین و مردم کمتر
 دخالت کند و باین جهت ما گفتیم دوسه سال
 اخیر بدون آفت را مدرک قرار دهند. شما
 میفرمائید پنج سال
 حال حساب سه سال را باید بدهند
 آنوقت حساب پنج سال را و البته این بیشتر
 اسباب زحمت مردم خواهد شد از این جهت
 نمیتوانم قبول کنم.
 رئیس - رأی میگیریم بقبول توجه
 بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام
 فرمایند.
 (عده قبلی برخاستند)
 رئیس - تصویب نشد. پیشنهاد آقای
 رضوی يك قسمتش مطرح میشود.
 (بشرح ذیل خوانده شد)
 بنده پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه
 بقراردیل اصلاح شود.
 سه سال متوسط از پنج سال اخیر بدوین
 آفت

رضوی - آقای مغیر فرمودند نظریه کبیسیون این است که مأمورین دولت کمتر مزاحم مؤدیان مالیات بشوند و حال آنکه مطابق این ماده که نوشته شده است بیشتر میشوند

برای اینکه هر وقت از مالک راجع به سه سال قبل پرسند و بگویند میگویند آفت داشته مال پنجسال قبل را بگویند میگویند آفت داشته و اغلب از مالکین ایران هم خورده مالکند و یک دفترو روزنامه هر شبی ندارند که بتواند معین کنند که مثلا دهسال پیش یا دوازده سال پیش چقدر عایدی داشته که آنوقت از روی آن سه سالش را معین کنند

بنابراین عقیده من این است که همان طوریکه آقای آقا سید یعقوب فرمودند سه سال از پنجسال بشود اینک سه سال مطلق را که سه سال مطلق باشد سی سال پیش را هم شامل میشود

بنابراین خوب است یک حدی داشته باشد که آن حد هم پنجسال باشد و آنوقت هم هر سال که بی آفت است آن سال را بگیرند بعد برای آفت آن ماده هفده جبرانش را می کنند

مخیر - بنده تصور نمیکنم آقایان عبارت را بشکل دیگر معنی کنند

۳ سال اخیر یعنی ۳ سال قبل از میزوری و خیلی واضح روشن است که مقصود ۳ سال قبل از سه میزوری است تکلیف آفت هم که در جای دیگر معین شده

اما میفرمایند که سه سال از پنج سال اخیر را مأخذ قرار بدهیم بدون آفت خوب در این صورت مالک میگوید که این ۳ سالش بهتر است که مأخذ قرار داده شود دولت میگوید آن ۳ سال دیگر را مأخذ قرار بدهیم

اینست که اختلاف جدیدی حاصل می شود و ما این ۳ سال اخیر بدون آفت را بهتر و راحت تر فرض کردیم

رئیس - قسمت ه سال که قابل توجه نیست

قسمت اول باقی میماند که ۳ سال متوسط باشد و اگر بخواهیم باین قسمت هم رأی بگیریم باقی ماده تناسب ندارد و نمیتوانیم رأی بگیریم چون مینویسد: مقصود از عایدات ماده اول ثلث عایدات بدون آفت ۳ سال اخیر ملک است

آقای طهرانی در پیشنهاد کرده اند

پنجسال که رد شد

طهرانی - خیر پیشنهاد چهار سال مطرح شود

(شرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده الحاقیه این طور اصلاح شود

مقصود از عایدات ماده اول ثلث عایدات متوسطه بدون آفت سه سال اخیر خواهد بود

رئیس در ضمن پیشنهاد آقای رضوی تکلیف این پیشنهاد معین شد

کازرونی - ایشان سال معین کرده بودند بنده

(صدای زنگ رئیس)

رئیس - پیشنهاد آقای طهرانی که آقای مغیر قبول کردند یک مرتبه دیگر خوانده میشود و رای میگیریم

(بشرح سابق قرائت شد)

رئیس - آقای امامی پیشنهاد تجزیه کرده اند نسبت به ماده الحاقیه اولی قابل تجزیه نیست

امامی - ممکن است ماده الحاقیه اول بدون آفت بدون آفت رأی گرفته شود و بعد هم با کلمه بدون آفت

رئیس این اسد تجزیه نیست چون دو جزه نیست در سابق که رای گرفته میشد بواسطه این بود که پیشنهاد حذف می شد تجزیه معنی این است که ماده را بدقسمت بکنند رای گرفته میشود ماده الحاقیه اول بطوریکه آقای مغیر قبول کردند آقایان موافقین قیام فرمایند

(اغلب برخاستند)

رئیس - تصویب شد

قرائت میشود (بشرح ذیل خوانده شد)

ماده الحاقیه دوم - قنوت بدون اراضی که آتش بمصرف زراعت میرسد در عرض صدی پنج صدی سه خواهد پرداخت و اراضی که بوسیله آب خریداری زراعت می شود مالیات صدی سه را پس از کسر قیمت آب خواهد پرداخت

رئیس - آقای طهرانی (اجازده)

طهرانی - موافقم

رئیس - آقای وکیل

میرزا محمد خان وکیل - عرضی ندارم

رئیس - آقای آقا میرزا شهاب

آقا میرزا شهاب بنده برخلاف آقایانی که اینجا سنک رعیت را بسینه میزنند می خواهم سنک دولت را بسینه بزنم برای این که اینجا می بینم فرق گذاشته می شود بین رعیت و دولت و مالک و مجلس هم دولت است

همه یکی هستند هیئت مجریه قوانین مملکتی اسدش دولت است و بایستی برای ادارات آنها هم ملت یک مالیاتی بدهد و آن قوانین مالیاتی هم بایستی از مجلس بگذرد

حالا ما می گفت و گو می کنیم که دولت ها همچو گفته اند!!

خودمان میخواهیم برای اداره کردن مملکت یک وجهی را تهیه بکنیم و بدهیم بآن کسانی که از طرف مجلس معین شده اند که مملکت را اداره کنند

پس بنابراین اینکه گاهی گفته میشود برهیت ظلم میشود و رعیت نمیتواند بدهد اینطور نیست

این است که بنده با مالیات صدی ۳ که پیشنهاد شده بود ابتداءم مخالفت کردم برای چه برای اینکه میدانم این قانون که از مجلس بگذرد و آن ماده هم که پیش بود که اعتبار اجرا خواستند و تصویب نشد بعد از یک مبلغ زیادی خسارت بدولت یعنی بملت

آنوقت نتیجه این میشود که خواهند گفت چون این مالیات صدی ۳ کفایت نمی کند یعنی مطابق مالیات سابق گاهی میشود که آب را اجاره میکنند از اینجهت این قانون باید لغو شود یا اینکه دوباره میانند و پیشنهاد میکنند که

اضافه شود

حالا هم اینجا پیشنهاد کرده اند که قنوتیکه آتش بمصرف زراعت میرسد عرض صدی سه خواهد داد

بنده این را نمی فهمم

(همهمه نمایندگان)

خوب آقایان مذاکرات خصوصی را بکنند بعد بنده عرضم را میکنم

قنوتی که بمصرف شرب میرسد صدی سه بایستد ولی قنوتی که بمصرف زراعت میرسد بایستی صدی ۳ بدهند

یعنی چه آقایان در نظر داشته اند که آب های طهران را هم مثلا قطع کنند؟

چون آبی که الان طهران را شرب میکند باید صدی سه مالیات بدهد شاید وقتی که دید بمصرف زراعت برسد صدی ۳ میدهد آنوقت آبش را ببرد و بمصرف زراعت برساند آنوقت اهل شهر بی آب خواهند ماند

بملازمیناده چون اصلاح بدالولد است در تنظیم آنهم خیلی سستی هاست یکی اینکه نوشته اند قنوت بدون اراضی که آتش بمصرف زراعت میرسد در عرض صدی سه خواهد پرداخت

چند اعتراض باین جمله هست اول اینکه قنوت مالیات نمیپردازد باید بنویسند از قنوتی که بطور صدی ۳ مأخذ خواهد شد آنوقت عرض صدی سه خواهد پرداخت

کجای این ماده صدی سه بود که در اینجا ذکر شود؟

حالا در ماده اول نوشته اند قنوتی که بمصرف شرب میرسد بایستی صدی سه بپردازد چه ربطی باین ماده دارد؟ در اینجا که ذکر می شود نبود که عرض صدی سه بدهند

پس باید هر چه در ماده اول هست را استثناء کنند!!

در اینجا که هیچ ذکر می شود نیست که در عرض صدی سه فلان بدهند!!

پس بنابراین اینکه گاهی گفته میشود برهیت ظلم میشود و رعیت نمیتواند بدهد اینطور نیست

این است که بنده با مالیات صدی ۳ که پیشنهاد شده بود ابتداءم مخالفت کردم برای چه برای اینکه میدانم این قانون که از مجلس بگذرد و آن ماده هم که پیش بود که اعتبار اجرا خواستند و تصویب نشد بعد از یک مبلغ زیادی خسارت بدولت یعنی بملت

آنوقت نتیجه این میشود که خواهند گفت چون این مالیات صدی ۳ کفایت نمی کند یعنی مطابق مالیات سابق گاهی میشود که آب را اجاره میکنند از اینجهت این قانون باید لغو شود یا اینکه دوباره میانند و پیشنهاد میکنند که

ش نهادی هم کرده ام که در موقعش تقدیم خواهم کرد

رئیس - آقای کازرونی (اجازده)

کازرونی - مخالفم

رئیس - آقای باستانی

باستانی - مخالفم

رئیس - آقای رضوی

رضوی - مخالفم

رئیس - آقای آقا سید یعقوب (اجازده)

آقا سید یعقوب - بنده بکفایتی نوبه مدغم نمایندگان محترم را بیک مسئله اساسی اینجا صحبت در سر دولت و ملت نیست اساسی که مادر تحت نظر گرفته ایم یک مسئله است و آن اینست که ثروت ایران امروز ناچار است از راه زراعت تأمین نهد که ایران صاحب ثروت شود و این فقر اقتصادی که در ایران هست برطرف شود صنایع ما که مطابق با صنایع دولتمندانه بکنند صادرات هم که نداریم و هر چه هست واردات است

پس باین جهت ناچار هستیم که نسبت به زراعت بقدری که بتوانیم قوانین وضع کنیم که آن قوانین ترقیه حال زراعت را بکنند قوت بدهد حال زراعت را از زراعت ما را جلو گیری نکنند بقدری که حتی بنده قدمه اینست آن لاجه که آمدند مجلس برای تأسیس بانک فلاحی و بیضه نظر بات ازین رفت بقدری جدیت دارم که دولت از آن اخص اشیائی که پیش او عرض است بر ما بفرماید و بانک فلاحی را تأسیس بکنند برای اینکه زراعت ما توسعه پیدا کند و گمان می کنم که خود نماینده محترم آقا میرزا شهاب هم منکر این مسئله نباشد

بعلاوه اینکه این اصل در نزد ما محرز شد و ما عقیده پیدا کردیم باین اصل که امروز همان قدری که فشار اقتصادی بر ما وارد شده ما هم فشار از زمین استخراج منافع خودمان را بکنیم پس باید قوانینی وضع کنیم که آن قوانین قوت بدهد استفاده کردن ما را باین جهت می گوئیم آب را اگر برای تفریح و تفنن و جستن از فوارهها بخواهند صدی پنج بدهند و اگر برای زراعت بخواهند چه ضرر دارد که صدی سه بدهند؟

این آب قنات را که میگیرند و از جلو خودشان میگذرانند و آن فوارهها و حوضهای یک رنگ را درست میکنند که جلو نظر ما آمده است و حواس همه ما را مغزل کرده است اگر برای آن مصرف بخواهند صدی پنج بدهند آقا اگر زمین آب را بخواهند ببرند و بمصرف زراعت برسانند

صدی سه بدهند و نتیجه اش قوت دادن و تشویق بزراعت و فلاح است و آن وقت

صحرانوردیهای ما میدانند که دولت در مجلس همه پشتیبان آنها هستند و بی شرح خوبی تقویت می شوند اصل این ماده از روی این فلسفه تنظیم نشده پس چه عیب دارد قنوتی که از برای شرب باشد برای تفریح و تفنن و گردش دادن در فوارهها باشد که در واقع یک مغارج تجلی است صدی پنج باشد و اگر وقتی که برای اصل زراعت و معیشت باشد آن صدی سه باشد

آقا اینکه می فرمایند ما دولت تشکیل داده ایم و باید دولت را اداره کنیم بقدری دولت راه برای پیدا کردن ثروت دارد که ابتدا بگوش ما نخورده است خودش راهش را پیدا میکند

یکی دیگر اینکه گاهی آقای معاون محترم وزارت مالیه میفرمایند آقای مغیر و آقای آقا میرزا شهاب هم گاهی می فرمایند

ما متصورمان این نبوده است که بخواهیم این قانون معین را وضع بکنیم برای تکثیر مالیات

این قانون برای تعدیل مالیات است یعنی یک مالیات گزافی که بدون ترتیب و با افراط و تفریط میگرفتند یک دهاتی هیچ مالیات نمیداد و یک دهاتی که در زمان عباس میرزا یا در اوائل زمان ناصرالدین شاه فلان قدر مالیات بپایش معین کرده اند و حالا آن دهات بپایر شده و بگلی از بین رفته و یک دهات جدیدی تأسیس شده و هنوز از آن دهات خراب شده همان مالیات را می گیرند و از این دهات جدید هیچ نمی گیرند مادر واقع خواستیم تعدیل معیزی بکنیم و نظر به تکثیر یا تقبیل عوائد دولت نداشته ایم

مجلس شورای ملی در نظر گرفت که مالیات را تعدیل بکنند در این بین هم متوجه باین نکته شد باید ترقی زراعت را هم تأمین کرد و این مواد بیشتر از روی این فلسفه است و مکرر هم این جا نمایندگان و یک روز هم آقای مدرس فرمودند که ما این قانون را می نویسیم بدست دولت می دهیم حق دولت این اندازه است که برود نگاه اگر ضرر کرد می آید اینجا می گویند صدی سه کم است

رای می دهیم

پس امروز نظر ما تعدیل است و نظر به تکثیر نداریم

خیلی تعجب است ما و کلاهی هستیم که تمام متوجه به تکثیر عایدات شده ایم این خیلی چیز غریبی است

هیچ متوجه باین مسئله نمی شویم که آخر تکثیر عراید یک جایی دارد

وضع قوانین عدالت یک جایی دارد

حفظ کردن حقوق ملت یک جایی دارد و در این جا که نظر ما فلسفه تشویق زراعت است باید دقت کنیم و رای بدهیم

هر وقت هم دولت در بودجه اش نقصانی پیدا کرد و ممکن است بیاید اینجا بگویند صدی ۳ کم است ما صدی چهار تصویب می کنیم در صورتی که بنده معتقدم که اگر تعدیل شود و از روی اصول و مواد معینی شود کم نیست بلکه زیاد هم هست

کم هم باشد کجا رفته است از حیب مملکت ایران و رعایای ایران که بیرون نرفتند است یک قانون دیگر وضع می کنیم و با یک مقاش قانون دیگر از جیبشان بیرون می آوریم

رئیس - آقای کازرونی (اجازده)

کازرونی - آقای آقا سید یعقوب یک مقدماتی فرمودند که در بعضی قسمتهایش مغالطی نداشت و اینجا هم هیچ مورد نداشت مثلا فرمودند بانک فلاحی درست کنیم در این قانون هیچ مورد ندارد؟ هیچ کس هم مخالفتش نیست چه ربطی باین دارد که یک کسی آبی دارد میخواهد فروشد و پولش را بگیرد

خواه برای زراعت بخرند خواه برای باغ خواه برای آشامیدن چه ربطی بفروشنده دارد کسی مانع زراعت شده میفرمایند از زمین باید استفاده کرد مانعش کیست

در کجاست در این قانون اگر صدی پنج گرفتیم استفاده از زمین از زمین می رود نمیفهمم چه خراست میفرمایند زراعت را باید تقویت کرد تقویت زراعت باین است که اگر یک کسی آبی دارد بفرود صدی سه از او بگیریم معنای تقویت زراعت همین است

بنده استدعا میکنم از رفقا و دوستان خودم یک چیزهایی که مربوط باصل موضوع نیست من باینکه میخواهند مقصود خودشان را بشرف بدهند ایراد نکنند بقین بدانند که ما هم فقهیم

میفرمایند اگر چنانچه آب فواره ببرد برود ما صدی پنج بگیرند بهتر است کجا در این قانون نوشته اند که اگر آب فواره برد ما صدی پنج بگیریم و اگر فواره بزنند صدی سه همچو چیزی ما بکنیم حرف در این است که یک کسی آبی دارد میخواهد بفروشد استفاده آن شخص فقط از فروش آب است کسی هم که میخرد اگر برای باغ یا آشامیدن مردم باشد استفاده بش کتر باشد بنده عرض میکنم نسبت بفروشنده این تبعض فلسفه ندارد دلیل ندارد این شخص فروشنده آب است و بنده هر چه فکر میکنم آب دومورد مصرف دارد یا

برای آشامیدن است یا برای فلاح است و بسا این سوای اینها که ما نداریم مگر ما باید در قسمت آشامیدن صدی پنج بگیریم بدلیل اینکه ممکنست در بین تمام مردم یک کسی هم پیدا شود

که از آب بعنوان فواره استفاده کند آقا اینها را که حیثیتش برای نوشتن قانون مدرک قرار داد

دیکر مملکت ما این وسعت فرض کنید ده نفر پیدا شود که فواره داشته باشند ما باینهم این مدارک را برای نوشتن قانون قرار بدهیم؟

بنده گمان می کنم این ماده اندام زوم ندارد در اینجا وارد شود زیرا وقت دارد یک قسمت میگردد برای زراعت صدی سه بدهد

بنده عرض کنم که آیا در ای زراعت و فلاح یا برای ساتین ما در ای صفی و اگر برای اینها نماند بر ای آشامیدن است و علاوه بر این مالیات راجع به نوشته آب است نه زراع و راجع به زراعت نیست

شما این تخلف را بکنید تأنه می دهد؟ یک قسمت دیگر میفرمایند که اراضی که بوسیله آب خریداری زراعت میشود بول آتش را باید موصوع کنند ملاحظه فرمائید ما در اینجا در ای دولت صدی سه مالیات قائل شده ایم اگر چه متخصص مالیه معتقدند که این صدی سه موقوفه بخارج میکنند نه است که ما گفته ایم یک اساس برای کار نگذاریم حالا می داریم می آئیم از زیرش می کشیم

آقا شخص زارع عم آید که ده هم زمییش میدهد دو خسته هم میکنند بول خیش اولی را موضوع می کنیم شخص زارع منفعت و مصلحت خودش را در این ببیند که آب بخرد

بسا زراعت صدی سه مالیات دادن دیگر کنجایش این را ندارد که این مستغنیات را هم برایش قائل شوند و ای باب کشمش و زحمت فیمابین زارع و مالک و دولت قرار بدهند که او برود اسنادی تهیه کند که در برج فلان لازم شد رقم فلان قدر آب بخرد بدهم زراعت مصلحت خود را ببیند برود آب بخرد

زراعتش خوب شده و خدا باو صد خورار جنس داد سه خورارش را بدولت بدهد اگر نداد هیچ بدولت بدهد و دهر صورت بنده عقیده ام این است که این ماده ماده زائد و بی مورد است و خیلی هم متأسفم از اینکه باینجهت که کبیسیون قوانین مالیه در گذشتن این قانون دارند مع ذلک خودشان اسباب تأخیر را فراهم می کنند

آقا سید یعقوب - بنده راجع بیانات آقای کازرونی عرضی داشتم

رئیس - بفرمایند

آقا سید یعقوب - خود مجلس شاهد

است که بنده عنوان فواره را نخواستم و سینه قرار بدم خوب است مقام ریاست جلوگیری کنند که کلمات بنده را سوء تعبیر نکنند کلمات بنده معلوم است نبخوام هوکنم و نه هوجی هستم یک قضایای را بنده عقیده داشتم و عرض کردم اینرا خوب است آقای رئیس جلوگیری کنند

رئیس - نظامنامه تکلیف را معین کرده است و آن است که اگر نطق آقایان برخلاف واقع جلوه داده شود ناطق می تواند دفاع کند جنابمالی هم که توضیح دادید

مخبر - بنده لایحه برای مخالفین محترم یک تاریخی عرض کنم که قانع شوند در مجلس چهارم برای گذراندن مالیات املاک ارابایی خیلی اصرار شد و دولت های یکی بعد از دیگری آمدند و لایحه آن را پس گرفتند لایحه دیگری تقدیم کردند تا دولت آخری که در آن کابینه آقای ذکا المملک فروغی وزیر مالیه بودند

در موقتی که شورتانی این لایحه بود آنرا استرداد کردند در این دوره خودمان آمدیم و آنرا بعنوان طرح قانونی پیشنهاد کردیم و دولت آمد و نظرش را اظهار کرد راجع باین ماده اول این قانونی که مالیات اراضی را مشخص میداد چندین دفعه بمجلس آمد و بکیسیون برکت که آنرا اصلاح کنند بالاخره در سایه یک احساساتنی نواقعی بین مستخدمین امریکایی و دولت و مجلس پیدا شد که این ماده نگذرد

و باین احساساتنی ماده گذشت و آن مطالعه عمیقی که این در تمام فقراتش بود بعقیده بنده نشده بود و ما بعد بیک زحمتی برخورداریم. حالا آن ماده اول را میخوانم تا آقایان متوجه شوند

مالیات املاک ارابایی بشری از خالصیات انتقالی که بموجب قانون علیحدّه مشخص میشود بطریق ذیل اخذ خواهد شد

۱ - املاک - از کل محصول اعم از آبی و دیومی و باغات قبل از تقسیم صدی ده

ب - جنگل و مرتع - از عایدات مطلق مالکانه صدی ده

ج - طواحين و آبدنك - از عایدات مطلق مالکانه - صدی پنج

د - از عایدات قانونی که بمصرف شرب میرسد صدی پنج

نظر دولت هم همینطور بوده و الاقرات تصویب نکرده که مالیاتش را سنگین تر از چشمه قرار دهند

چشمه علی در سال بکشاهی خرج تنقیه اش نمی شود صدی ده مالیات بنده و ولی یک فئانی که ممکن است

نصف عایداتش صرف تنقیه اش شود صدی پنج بنده؟

البته عادلانه نبوده این بود که از روی احساساتش خواستند این ماده زود بگذرد از مجلس هم گذشت مامهم رای دادیم و معتقد برای خودمان هم هستیم

ولید در کیسیون یک تبصره صورت داده داشته منافی بارائی که مجلس داده است نیست و آن اینست که آن قانونی که بمصرف شرب شهر میرسد ممکن است یک جنبه او کسی و تجملی داشته باشد و یک چیزی اضافه بدهد تمامش هم که بمصرف خوردن نرسد

بعضی ها که میخواهند باغچه هایشان را گل کاری نکنند یک مالیات گل کاری هم میدهند از این جهت گفتند قانونی که باصلاح آب رخ نست یعنی آبی است که زمین ندارد و مباد زمین و شماره مشروب میگردد صدی ده بپردازد

آن اراضی که آب ندارد و باید اجاره کنند یا بخرند و از زمین محصول بردارند فلسفه ندارد که صدی پنج از آبی که اجاره کرده مالیات بگیرند و صدی ده هم از محصولی که از مزروع برداشته میشود مالیات بگیرند

یا فرض بکنیم که آب این مزروع مال زیاد زمینش متعلق بعمرو است نصف عایدات را مالک آب مبرد و نصف دیگر را مالک زمین آنوقت آن کسی که مالک زمین بوده است و نصف عایدات را برد و از تمام محصولش صدی ده داده است

در صورتی که نصف محصول را آورده و صدی شش مالیات داده و این ظلمی است نسبت بآنهایی که پهلوئی قنوات زراعت می کنند و اگر صدی ده از محصول ملک بگیریم و از فئانی که آبش را خریداری می نمایند صدی پنج آنوقت صد هشت میشود

این بود که این ماده الحاقیه را بعنوان تبصره ماده اول در کیسیون تنظیم کردیم که بمصرف آقایان برسانیم

مقام محترم ریاست اظهار کردند که چون ماده اول تمام شده تبصره هم نمیشود به آن الحاق کرد ممکن است ماده الحاقیه باشد

بنده چون مخبر بودم و تنظیم م - واک بمعهد من بود این را بصورت ماده الحاقیه پیشنهاد کردم و این ماده الحاقیه که پیشنهاد شده یک مختصر اصلاح عبارتی هم لازم دارد و همان طور که آقای آقامیرزا شهاب فرمودند عبارت (عوض صدی پنج) نباید اصلاح شود ولی چون روز اول بعنوان تبصره نوشته شده بود اینطور نوشته بودیم جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - آقای کلزونی و آقای

آقایان پیش نهاد حذف ماده الحاقیه را کرده اند

(بشرح ذیل خوانده شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده الحاقیه دوم حذف شود

پیشنهاد دکتر آقایان - پیشنهاد میکنم ماده الحاقیه دوم حذف شود

رئیس - آقای کلزونی (اجازه)

کلزونی - بنده آنچه میدانم تبصره ای ندارم لیکن مختصراً عرض میکنم که ما حتی الامکان باید سعی کنیم که برخلاف عادت همیشه بطرف افراط و تفریط نرویم

بنده تصور میکنم در این جایگاه جنبه افراطی باشد از این جهت پیشنهاد حذف این ماده را کرده ام و محل احتیاج نیست و استخوان بندی این ماده که فقط دائر دو استثناء است در این جا مورد ندارد

رئیس - رأی میگیریم بمقابل توجه بودن پیشنهاد آقای کلزونی آقایان بیکه تصویب میگردد قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

مخبر - قبول نمیشود

رئیس - رأی میگیریم بمقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

مخبر - قبول نمیشود

رئیس - رأی میگیریم بمقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

مخبر - قبول نمیشود

رئیس - رأی میگیریم بمقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

مخبر - قبول نمیشود

رئیس - رأی میگیریم بمقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

مخبر - قبول نمیشود

رئیس - رأی میگیریم بمقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

مخبر - قبول نمیشود

رئیس - رأی میگیریم بمقابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

(عده قلبی قیام نمودند)

خالص مالک عشر گرفتن اشکال دارد و گفتند بیائیم یک طریق دیگری پیدا کنیم که از عایدات خالص مالک عشر گرفته شده باشد اما از عین محصول برداشت کنیم

این بود که آمدند و اینطور معین کردند که از عین محصول صدی سه بگیرند - حالا حساب میکنیم - عایدی رعیت را حذف می کنیم حق زارع را جدا کنیم - حق آب و کاروا را هم جدا می کنیم بعد از اینکه این همه مخارج را جدا کردیم آنوقت آن چه عاید ارباب می شود سی و پنج خروار می شود و صد سی و پنج که عشر باشد از او میگیریم

این حسابی است که اغلب در اینجا کرده شده است ولی راجع بقانون میزری ما گفتیم از عین محصول یک از زمین بیرون می آید باید صد و نهم بدولت بدهد اما از اینکه آب ملکش اجاره باشد یا مال ارباب باشد یا مال زارع باشد و اینطور گفته شد که فئانی که اراضی ندارد این ها را باید چه کرد

ما که نمی توانیم مالیاتش را از آن زارعی که در جای دیگر زراعت کرده بگیریم آنوقت آمدند حساب کردند - صدی و صدی پنج برای مخارج قنات و صدی پنج هم عایدی خالص را معین کردند و خالصش را داده است و این هیچ ربطی بفلان رعیت ندارد

مثلاً شاهزاده فرمانفر ما در تهران فئانی دارد مقداری از آبش را خودش مصرف می کند و مقداری از آن را میسکن است بفروشد - میگویند وقتی فروخت از پول آن آب صدی پنج بدولت بدهد

موضوع اینست و این هم هیچ ربطی بزارع و مالک ندارد که دو مالیات بدهد شاهزاده فرمانفرما مالیات آبش را می دهد آن زارعی هم که آمده است آب را خریده صدی سه مالیاتش را میدهد

حالا در اینجا مذاکراتی شد که باید رعایت رعیت و فلاح را کرد و به زراعت کمک کرد بنده در پیشنهاد خود رعایت نظریه آقای آقا سید یعقوب را هم کردم که قسمت آخر همین ماده است یعنی مالیاتی که میخواهند از اراضی بگیرند آن اراضی که پول می دهند و آب میخرند پول آب را موضوع کنند و از عایدی خالصش همان صد و نهم را بگیرند این بود عقیده بنده دیگر بسته است بنظر آقایان

مخبر - بنده فرمایشات آقا را از آخرش شروع میکنم و توضیح میدهم

آقا اسمی از فرمانفرما بردند - من مخالف نیستم که یک مالیاتی برای اینقبیل متولین مملکتان از قبیل فرمانفرما و سایر الدوله ها بیاورند و از مجلس بگذرانند که

آنها باید سالی هزار تومان یا پانصد تومان یا ده هزار تومان مالیات بدهند

شیروانی - این را بنده مثل زدم و الا مقصود خصوصی نداشتم

مخبر - اینها ربطی بموضوع بحث ما ندارد - ما آمدیم یک قانونی نوشتیم که از عایدات زراعتی که این عایدات بوسیله آب در زمین و بذر و کار و عمل باید از این عایدات صدی سه مالیات بگیرند

ما اگر راجع بقنواتی که خرج دارد یک تخفیفی منظور نداریم نسبت بچشمه - علی که بکشاهی مخارج ندارد لازم نیست یک تخفیفی منظور کنیم

حالا یک سرمایه داری تنبلی نکرده که از آب چشمه استفاده کند آمده است سرمایه اش را در این مملکت ریخته و ده فرسخ راه را کرده است و بکنقات ایجاد کرده است

حالا بگویم برای اینکه توار همان چشمه های طبیعی نتوانسته استفاده کنی و رفقه قنات کنده چشمت کور شود بیا صد پنج مالیات بده آری این فلسفه دارد؟

بعلاوه اینچاهم یک چیزی است روشن وقتی زمین مال من باشد و آن مال زید آقا باشد و محصول که نمی دهد فقط بک محصول از زمین بر میدارند و موافق قسمت الف ماده اول این قانون از محصول این قانون زمین صدی سه بعنوان مالیات می گیرند من که مالک زمین هستم و آب خریده ام این اجاره کرده ام باید صدی سه بدهم و این هم که بمصرف این زراعت رسیده آنرا هم صدی پنج مالیات ازش مطالبه می کند

باید یک طریقی تقسیم کنید که آن آبی که بمصرف زراعت میرسد یک مالیات سنگینی برش تحمیل شود و بنده باینش نهاد آقا کمال مخالفم و کیسیون هم نظر موافقی ندارد و فرمانفرما هم که آقا فرمودند که این ماده خودرو است و در کیسیون سبزشده

بلی اعضاء کیسیون هم وکیل هستند و مثل سایر و کلا که حق دارند هر چه به نظرشان میرسد پیشنهاد کنند آن ها هم حق دارند از اینقبیل پیش نهادها بکنند و آنها که این حق سلب شده

بعلاوه این پیشنهاد از طرف آقای سهراب زاده بکیسیون آمد و اعضاء کیسیون هم نظر موافق نسبت باین ماده داشتند و این ماده را تصویب کردند

شیروانی - مجدداً پیش نهاد بنده قرائت میشود

(بشرح سابق خوانده شد)

رئیس رأی میگیریم بمقابل توجه بودن پیشنهاد آقایان موافقین قیام فرمایند

الدوله ها بیاورند و از مجلس بگذرانند که

خالص مالک عشر گرفتن اشکال دارد و گفتند بیائیم یک طریق دیگری پیدا کنیم که از عایدات خالص مالک عشر گرفته شده باشد اما از عین محصول برداشت کنیم

این بود که آمدند و اینطور معین کردند که از عین محصول صدی سه بگیرند - حالا حساب میکنیم - عایدی رعیت را حذف می کنیم حق زارع را جدا کنیم - حق آب و کاروا را هم جدا می کنیم بعد از اینکه این همه مخارج را جدا کردیم آنوقت آن چه عاید ارباب می شود سی و پنج خروار می شود و صد سی و پنج که عشر باشد از او میگیریم

این حسابی است که اغلب در اینجا کرده شده است ولی راجع بقانون میزری ما گفتیم از عین محصول یک از زمین بیرون می آید باید صد و نهم بدولت بدهد اما از اینکه آب ملکش اجاره باشد یا مال ارباب باشد یا مال زارع باشد و اینطور گفته شد که فئانی که اراضی ندارد این ها را باید چه کرد

ما که نمی توانیم مالیاتش را از آن زارعی که در جای دیگر زراعت کرده بگیریم آنوقت آمدند حساب کردند - صدی و صدی پنج برای مخارج قنات و صدی پنج هم عایدی خالص را معین کردند و خالصش را داده است و این هیچ ربطی بفلان رعیت ندارد

مثلاً شاهزاده فرمانفر ما در تهران فئانی دارد مقداری از آبش را خودش مصرف می کند و مقداری از آن را میسکن است بفروشد - میگویند وقتی فروخت از پول آن آب صدی پنج بدولت بدهد

موضوع اینست و این هم هیچ ربطی بزارع و مالک ندارد که دو مالیات بدهد شاهزاده فرمانفرما مالیات آبش را می دهد آن زارعی هم که آمده است آب را خریده صدی سه مالیاتش را میدهد

حالا در اینجا مذاکراتی شد که باید رعایت رعیت و فلاح را کرد و به زراعت کمک کرد بنده در پیشنهاد خود رعایت نظریه آقای آقا سید یعقوب را هم کردم که قسمت آخر همین ماده است یعنی مالیاتی که میخواهند از اراضی بگیرند آن اراضی که پول می دهند و آب میخرند پول آب را موضوع کنند و از عایدی خالصش همان صد و نهم را بگیرند این بود عقیده بنده دیگر بسته است بنظر آقایان

مخبر - بنده فرمایشات آقا را از آخرش شروع میکنم و توضیح میدهم

آقا اسمی از فرمانفرما بردند - من مخالف نیستم که یک مالیاتی برای اینقبیل متولین مملکتان از قبیل فرمانفرما و سایر الدوله ها بیاورند و از مجلس بگذرانند که

رودخانهها و چشمه سارهاییکه زمین ندارند نمی شود برای اینکه مادر فرجه چهارم این ماده نوشته ایم از عایدات قنواتیکه بمصرف شرب میرسد صدی پنج و اشاره برودخانهها و چشمه سارها نکردیم و خواستیم تکلیف بکنیم با سابق جاهایی که مالکش هم آب دارد هم زمین و نقالی که فقط آب ندارد یا زمین دارد

این فلسفه در قسمت قنوات هم در این ماده هم در ماده اول رعایت شده است ولی در قسمت رودخانهها و چشمه سارها رعایت نشده و بنظر من اگر نوشته شود رودخانهها و چشمه سارها که زمین ندارد صدی پنج بدهد و قنوات صدی سه بدهند بهتر است این بود که اینطور پیشنهاد کردم

رئیس - ذکر کلمه (و غیره) بعد از کلمه (زراعت) ماده اول را مترازل میکنند نمی شود بآن رای داد برای اینکه منافی قسمت دال میشود که نوشته است از عایدات قنواتی که بمصرف شرب میرسد صدی پنج و در پیشنهاد ایشان نوشته شده است از عایدات قنواتی که آبش بمصرف می رسد صدی پنج خواهد پرداخت و اراضی که بوسیله آب خریداری و استیجاری زراعت می شود مالیات صدی سه را پس از کسب قیمت آب خواهد پرداخت

پاسائی - در این ماده بنظر بنده نواقعی است که باید اصلاح شود یکسگی از آن نواقص را آقا میرزا شهاب اشاره فرمودند

در اینجا نوشته است اراضی که به بوسیله آب خریداری زراعت می شود پس از کسب قیمت آن مالیات را خواهند پرداخت و بنده هم در پیشنهاد خود کمده استیجاری را اضافه کردم دیگر اینکه در این ماده نوشته شده است آبهائیکه بمصرف شرب میرسد صدی پنج باید مالیات بدهند در صورتیکه بعقیده بنده باید برعکس باشد و باید رعایت کثرت شارب آب را نمود که اغلب آنها فقیر هستند

در شهر طهران اگر قسمت جنوب شهر را ملاحظه فرمائید خواهید دید که خریداران آب چه اشخاصی هستند و شاه چه مالیات آبرها بیشتر کنید مالک آب هم بر قیمت آب خود خواهد افزود در این صورت لازم است که یک لغظ و غیره هم علاوه شود که شامل زراعت و غیره زراعت باشد که اگر آبی زمین نداشته صد ۳ بیشتر نباید بدهد

دیگر اینکه در اینجا تفاوتی قائل نشدند بین رودخانه و قنوات در صورتیکه مخارج قنوات زیاد است و اگر قید میشد که رودخانهها و چشمه سارها همان صدی پنج را که سابق هم نوشته شده بدهند بهتر بود

آقای مخبر در ضمن توضیحاتشان باینجا اشاره فرمودند که در آن ماده نوشته شده است قنوات صدی پنج این شامل

در این فلسفه در قسمت قنوات هم در این ماده هم در ماده اول رعایت شده است ولی در قسمت رودخانهها و چشمه سارها رعایت نشده و بنظر من اگر نوشته شود رودخانهها و چشمه سارها که زمین ندارد صدی پنج بدهد و قنوات صدی سه بدهند بهتر است این بود که اینطور پیشنهاد کردم

رئیس - ذکر کلمه (و غیره) بعد از کلمه (زراعت) ماده اول را مترازل میکنند نمی شود بآن رای داد برای اینکه منافی قسمت دال میشود که نوشته است از عایدات قنواتی که بمصرف شرب میرسد صدی پنج و در پیشنهاد ایشان نوشته شده است از عایدات قنواتی که آبش بمصرف می رسد صدی پنج خواهد پرداخت و اراضی که بوسیله آب خریداری و استیجاری زراعت می شود مالیات صدی سه را پس از کسب قیمت آب خواهد پرداخت

پاسائی - در این ماده بنظر بنده نواقعی است که باید اصلاح شود یکسگی از آن نواقص را آقا میرزا شهاب اشاره فرمودند

در اینجا نوشته است اراضی که به بوسیله آب خریداری زراعت می شود پس از کسب قیمت آن مالیات را خواهند پرداخت و بنده هم در پیشنهاد خود کمده استیجاری را اضافه کردم دیگر اینکه در این ماده نوشته شده است آبهائیکه بمصرف شرب میرسد صدی پنج باید مالیات بدهند در صورتیکه بعقیده بنده باید برعکس باشد و باید رعایت کثرت شارب آب را نمود که اغلب آنها فقیر هستند

در شهر طهران اگر قسمت جنوب شهر را ملاحظه فرمائید خواهید دید که خریداران آب چه اشخاصی هستند و شاه چه مالیات آبرها بیشتر کنید مالک آب هم بر قیمت آب خود خواهد افزود در این صورت لازم است که یک لغظ و غیره هم علاوه شود که شامل زراعت و غیره زراعت باشد که اگر آبی زمین نداشته صد ۳ بیشتر نباید بدهد

دیگر اینکه در اینجا تفاوتی قائل نشدند بین رودخانه و قنوات در صورتیکه مخارج قنوات زیاد است و اگر قید میشد که رودخانهها و چشمه سارها همان صدی پنج را که سابق هم نوشته شده بدهند بهتر بود

آقای مخبر در ضمن توضیحاتشان باینجا اشاره فرمودند که در آن ماده نوشته شده است قنوات صدی پنج این شامل

خالصجات انتقالی را خاصه هر فراری يك ميزان مالیاتی برای دولان در این مجلس معین کنیم باینجهت است که داخل در شرح وتفصیل نمیشوم .

قبلا عرض شده است که برای خالصجات انتقالی تکلیفی در نظر گرفته شده است و لایحه هم منقرب بمجلس خواهد آمد و این مسئله از نظر دور نرفته است مشغول هم هستند برای اینکه اصلا اینکار محل ابتلا وزارت مالیه است و خواه نخواه باید اینکار را بکنیم و اینکار هم میشود .

ولیکن بنده همچو تصور میکنم که این يك امری است که هیچ نمیتواند وارد شود در مواد قانون ممیزی و اینمالیاتیکه در اینقانون ما منظور داشته ایم و بهتر اینست که اصلاح نکتته را محل توجه قرار بدهیم و آن این باشد که اموری که نسبت به فی یا اثبات کم و زیاد کردن مالیه مداخله میکنند .

یعنی مقدار جمعی که در دست گرفته شده است برای یکسال قبل از اینکه پیشنهاد شود (البته نمایندگان محترم مختارند و راه پیشنهاد هم همیشه باز است) .

ولی از نقطه نظر قرار از يك معظورات دیگری اینعرض را میکنم . نسبت باین پیشنهاد است که تأثیر مالی دارد بایستی قبلا صحبت بکنیم و لذا اگر کنیم زیر و رویش را در اداره اینکار ببینیم و آنوقت بر طبق معلوماتی که بدست آمده يك پیش نهادی بشود .

باینجهت ممکن نیست که بنده در يك پیشنهادهایی که تأثیر مالی داشته باشد و بنده در مجلس شرف حضور داشته باشم بدون اینکه قبلا مطالبه العانی کرده باشم بتوانم موافقت کنم .

این است که نسبت باین پیشنهادها هم تمدنا میکنم مقرر بفرمایند (البته نخواهند بکمیسیون هم ببرند و نظامات مجلس این امور را اقتضا میکند این مسئله دیگری است) .

ولی بنده نظری که عرض میکنم این است که خوبست اینمسئله را اصلاح مسکوت بگذاریم و مطالبی را که راجع بخالصجات انتقالی در نظر گرفته ایم بعد از آنکه حاضر شد در کمیسیون قوانین مالیه حاضر میکنیم و بعرض میرسانیم .

آقای شیروانی هم ممکن است لطف بفرمایند و تشریف بیاورند در آنجا خوب زیر و روی مسئله را نگاه میکنیم و بعد از اینکه خوب تنظیم شد آنرا بمجلس می آوریم زیرا این لایحه ممیزیست و مربوط بآن موضوع نیست .

مخبر - بنده بر حسب فرموده آقای رئیس مختصراً عرض میکنم چون ظهر گذشته بنده تصور میکنم یک همچو پیشنهادی سابقاً شد نمی دانم از طرف آقای مدرس یا کسی دیگر بود که رد شد حالا درست نظر نیست و العاده هم یکی از آقایان که

علاقه خاصه دارد باین گفت صحت و شش ما خالدا داریم مبدع و شکایت زیادی هم نداریم (مجلسه بین نمایندگان)

مخبر - العاده در مجلس بمن هیچ چیزی گفت بنده که خودم خالصه ندارم يك استدلالاتی آقای شیروانی فرمودند که خالصجات است اشخاصی هست که حال ملک بپهلویش را میروند ممیزه میکنند و چه میشود و چه نمیشود ما باید ببینیم خالصجات چه بوده و چطور بدست اشخاص افتاده ؟

اشخاصی که مثل من لختی بوده اند امروز بواسطه همین خالصجات میلیون شده اند ما که باید يك قراری برای تقسیم املاک خالصه بین رعایا بدهیم و آن املاکی که دست دولت است يك قراری در تقسیمش باید داده شود و همچنین املاکی که در دست اشخاص است .

پس این چه کاری است که ما حالا بیاییم و قانون ممیزی را که يك عده زیادی مردم امروز گرفتارش هستند اینرا گرو بکشیم و بگوئیم مردم باید باین آتش بسوزند که یکدسته ای که از پهلوی خالصجات انتقالی فایده های زیادی برده اند و امروزه دارد بارشان یکقدری سنگین میشود سبک بشود .

ما مظلومیت يك جماعتی را میخواهیم گرو بکشیم که يك دسته خاصی میخواهند استفاده کنند؟؟ درست است این دسته يك استفاده هائی کرده اند و حالا کمتر میتوانند استفاده کنند و باید يك ترتیبی برای آبادی املاک خالصه داده شود که مردم اطمینان پیدا کنند که این ملک را از دست آنها نمیگیرند که بروند و آباد کنند .

ولی گرو بکشیدن قانون ممیزی برای اینمسئله خیلی دور از احساساتی است که آقایان قبلا برای گذستن قانون ممیزی اظهار می کردند .

خالصجات انتقالی هم تمام مثل هم نیست و آقای معاون هم توضیح دادند خالصجات بانواع مختلفه باشخاصی واگذار شده است بعضی با همان جمعش قبول کرده اند .

بعضی بقتت اصلی خریداری کرده اند و مالیاتش را مثل مالیات اربابی با آنها معامله کرده اند و همه هم فرم - ان دارند .

یکی از اعلیحضرت مظفر الدین شاه و راجع بخالصجات بنده معتقدم که همه را بیک نسق ما نمیتوانیم معامله کنیم و باید يك لایحه را دولت بیاورد و در اطرافش مذاقه بشود و بنده استدعا میکنم که آقای شیروانی این قانون را گرو این کار نکشند .

رئیس - رأی میکنیم بقبول توجه بودن

پیشنهاد آقای شیروانی آقایانیکه قابل توجه میدانند قیام فرمایند

(معدودی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهادات و مواد الحاقیه رسیده است از طرفی هم پیشنهاد ختم جلسه شده است يك پیشنهادی هم شده است راجع باضافه شدن جلسات مجلس از طرف آقای معتمد که تقاضا کرده اند روزهای شنبه علاوه شود . آقای معتمد

(اجازه)

میرزا عبدالله خان معتمد - سی و پنج شش روز بیشتر بمر دوره پنجم باقی مانده و در این مدت بیش از یازده جلسه از قرار هفته سه جلسه نخواهیم داشت .

در صورتی که قسمت عده اوایج و بودجه های مملکتی در کمیسیون ها گذشته و طبع و توزیع هم شده که همینطور معطل مانده و بااستثنای بودجه وزارت مالیه که شاید امروز تمام شود تمام بودجه ها گذشته است اوایج دیگری هم از کمیسیون قوانین مالیه و همچنین کمیسیونهای دیگر گذشته است که برای دستور حاضر است و آقایان نمایندگان محترم تصدیق میکنند که برای اوایج بودجه ها سه جلسه کافی نخواهد بود و هم ناچار هستیم در این مدت عمر مجلس قسمتی از این اوایج را بگذرانیم بنابراین بنده این پیشنهاد را کردم که هفته يك جلسه عجلتاً بجلسات افزوده شود .

رئیس - آقای اخگر

(اجازه)

اخر - بنده مخالفم .

بعضی از نمایندگان - رای بگیرند

شیروانی - بنده هم مخالفم

رئیس - بفرمائید .

شیروانی - خود بنده فکر میکنم که روز شنبه باید در دو کمیسیون بروم صبح در کمیسیون بودجه و عصر در کمیسیون قوانین مالیه .

آیا همان چیزهایی را که مجلس باید رأی بدهد در کمیسیون باید بگذرد ناخیر و بنده میدانم آقای معتمد که این پیشنهاد را فرموده اند آیا خودشان میتوانند هم در کمیسیون حاضر شوند و هم در مجلس باشند؟ و از این جهت بنده با این پیشنهاد مخالفم .

رئیس - رأی گرفته میشود پیشنهاد آقای معتمد . آقایان موافقین قیام فرمایند (چند نفری برخاستند)

رئیس - روشد جلسه آتیه روز یکشنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر دستور . اولاً پیشنهاد های واصله راجع بهمین قانون ممیزی

ثانیاً خبر کمیسیون فواید عامه راجع بماده عجزه امتیاز بزرگ السوس

ثالثاً لایحه پرداخت دیون دولتی (مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی

سید محمد تدین

منشی - م - شهاب

منشی - ع - خطیبی

جلسه ۳۳۶

صورت هشتم شروع مجلس

يك شنبه بیستم دیماه ۱۳۰۴

مخالف ۳۵ جمادی الثانیه

سنه ۱۳۴۴

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای تدین تشکیل گردید

صورت مجلس پنجشنبه هفدهم دیماه

رأی آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند

رئیس - آقای ارباب کیخسرو (اجازه)

ارباب کیخسرو - بعد از تصویب

صورت مجلس عرضی دارم

رئیس - آقای حاج حسن آقا ملک

حاج حسن آقا ملک - قبل از دستور .

رئیس - آقای شوشتری

شوشتری - قبل از دستور

رئیس - آقای کازرونی

کازرونی - بعد از تصویب صورت

مجلس عرض دارم

رئیس - آقای شیروانی

شیروانی - قبل از دستور

رئیس - آقای امیر حسینخان

امیر حسینخان - قبل از دستور

رئیس - آقای شریعت زاده (اجازه)

شریعت زاده - بنده نظرم این بود که

جلب توجه مقام ریاست را بکنم که چند روز قبل کسالت داشتم و کتبا استجاره کرده بودم بنابراین دیر آمده مازون نوشته شوم .

رئیس - راجع باینقسمت از کمیسیون عریض و مرخصی چون اطلاعی نرسیده است باینجهت اینطور نوشته شده است مراجعه می شود و پس از تصویب کمیسیون اصلاح خواهد شد

آقای دستغیب

(اجازه)

دستغیب - قبل از دستور

رئیس - نسبت بصورت مجلس ابرادی نیست ؟

(گفته شد : خیر)

رئیس - صورت مجلس تصویب شد

آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو - آقایان خوب در نظر دارند درنهم خرداد وقتیکه قانون اضافه مالیات قندو جای از طرف دولت پیشنهاد شد مجلس کمال موافقت نمود و هم